

بررسی تطبیقی سیره اهل بیت (ع) در شرح التعرف لمذهب التصوف مستملی بخاری و تذکرة الاولیای عطار

احمد امین*

راضیه رئیسی نافچی**

چکیده

یکی از منابع تأثیرگذار بر متون عرفانی، سیره اهل بیت (ع) است. این تأثیرگذاری نه تنها بر متون عرفانی شیعی بلکه متون عرفانی که توسط اهل سنت نوشته شده‌اند را نیز دربرمی‌گیرد. مستملی بخاری که انتساب به اهل سنت دارد، کتاب شرح‌التعرف را به زبان فارسی نوشته و در آن به منقبت اهل بیت (ع) پرداخته است. یکی از کتبی که شرح‌التعرف بر آن تأثیرگذار بوده، تذکرة الاولیا عطار است. عطار نیز با وجود اینکه شافعی‌مذهب و ستایشگر خلفای راشدین است، با هرمجالی در تذکرة الاولیا، به مدح و ستایش اهل بیت پیامبر (ص) می‌پردازد. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و نتایج پژوهش حاکی از آن است که مستملی بخاری و عطار، در آثارشان به منقبت اهل بیت (ع) پرداخته‌اند؛ این مناقب بر اساس مستندات تاریخی و روایی است و چه‌بسا که عطار در این روایت‌ها، از شرح‌تعارف بهره‌جسته است. نگاه مستملی و عطار، آزادمنشانه است و درصدد برآمده‌اند که درگیری‌های فرقه‌ای را کنار گذاشته و مذاهب را به یکدیگر نزدیک کنند.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت (ع)، عطار، مستملی بخاری، تذکرة الاولیا، شرح‌تعارف.

۱. مقدمه

عرفان و تصوف در سده‌های آغازین پس از اسلام، شیوه زاهدانه‌ای است که تحت تأثیر سیره و اقوال پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) شکل گرفته و این روند، در سیر تکامل خود، به

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، ahmadamin45@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرفانی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)، raziehreisi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹

تصوف و عرفان اسلامی منجر گردیده است. از قرن سوم هجری به بعد، صوفیان و عارفان در جهت تبیین مفاهیم عرفانی دست به نگارش کتاب‌هایی زده‌اند که مبنا و اساس دیگر متون عرفانی در قرون بعدی شده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین و نخستین آثاری که در جهت تبیین عرفان و تصوف اسلامی به نگارش درآمده است، کتاب "التعرف لمذهب التصوف" ابوبکر کلابادی است؛ محمد روشن در مقدمه شرح التعرف می‌نویسد:

این کتاب که به زبان عربی تألیف شده است، باوجود اختصار و ایجاز از همان روزگار تألیف، چندان نام و آوازه یافت که در وصف آن گفته‌اند: «لَوْ لَا التَّعَرُّفُ لَمَا عُرِفَ التَّصَوُّفُ». به سبب اهمیت این کتاب، شرح‌های متعددی بر آن نوشته شد؛ ازجمله شرح ابوابرهم اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴هـ) (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۵-۱۲).

همچنین شرح‌التعرف، به‌عنوان نخستین اثر عرفانی به زبان فارسی، بر آثار بعد از خود تأثیرگذار بوده است؛ یکی از آثار متأثر از این اثر، تذکره‌الاولیا عطار است.

عطار، عارف قرن هفتم هجری، عطار در تألیف کتاب خود، از منابع بسیاری بهره جسته است؛ باتوجه به بررسی پژوهشگران این اثر، تأثیرپذیری عطار از کشف‌المحجوب، رساله قشیری و... تأیید شده است؛ فروزانفر در پژوهش‌های خود، از شرح‌تعرف تنها به‌عنوان متنی که از نظر زمانی بر نگارش تذکره‌الاولیا مقدم است نام برده و به تأثیرپذیری عطار از حلیه‌الاولیاء و کشف‌المحجوب در کاربرد جملات مسجع اشاره‌ای کرده است (روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۱۱). در سال‌های اخیر، پژوهشگران و محققان به بررسی‌های بیشتری درخصوص منابع مورد استفاده عطار در تذکره‌الاولیا پرداخته و به تأثیرپذیری وی از کتاب شرح‌تعرف اشاره کرده است (روضاتیان و میرباقری، ۱۳۸۹: ۱۰).

یکی از موضوعات و مباحث مهم در کتب عرفانی، علاوه بر قرآن کریم و سیره و سخنان رسول اکرم (ص)، سیره و سخنان اهل بیت (ع) و دوستی با ایشان است؛ از آنجاکه «تصوف و تشیع با تاریخ اجتماعی ایران بعد از اسلام ارتباط ناگسستنی دارد» (الشیبی، ۱۳۷۴: مقدمه)، در بررسی کتب عرفانی، تأثیر و تأثرات سیره اهل بیت (ع) در آثار صوفیانه فارسی حائز اهمیت است. این مقاله به دنبال قضاوت درخصوص نگرش مؤلف کتاب "شرح‌التعرف" و "تذکره‌الاولیا" نسبت به اهل بیت (ع) باتوجه به انتساب آن‌ها به اهل سنت است؛ این دو عارف بزرگ، اگرچه گاهی نسبت به مذهب خویش تعصب دارند؛

ولی در عین حال عزم آن نداشته‌اند که حق اهل بیت عصمت و طهارت و شخص مولای متقیان علی (ع) را نادیده بگیرند و در نتیجه همواره به اهل بیت (ع) در کتب خود اشاره کرده‌اند. اصولاً وجه تمایز کلی عرفان نسبت به توده‌های اهل سنت و عموم عالمان آن‌ها، اعتقاد و التزام به ولایت و پیروی از اولیاء است و در سلسله آن‌ها بجز یک مورد استثناً، همگی از طریق ائمه شیعه (ع) و اغلب از طریق معروف کرخی به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و از او به پیغمبر اکرم (ص) مستسل و متصل می‌شوند و از این نظر صوفیه از سایرین متمایز هستند. در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤالات هستیم که:

باتوجه به انتساب دو مؤلف به اهل سنت، نگرش آن‌ها نسبت به خاندان عصمت و طهارت چگونه است؟

سیره اهل بیت (ع) در چه زمینه‌هایی در دو اثر نمود داشته است؟
تأثیرپذیری عطار از کتاب "شرح التعرف لمذهب التصوف" در زمینه بیان جایگاه و سیره اهل بیت (ع) چه نمودی داشته است؟

در زمینه پیشینه پژوهش، درباره سیره اهل بیت (ع) در کتب اهل سنت آثار بسیاری نگاشته شده است؛ لیکن در زمینه تطبیق این مسئله در دو کتاب "شرح التعرف" و "تذکره الاولیا" اثری مستقل یافت نشد. از جمله آثاری که می‌توان نام برد عبارتند از:
"سیما و سیره علی و اهل بیت (ع) در کشف المحجوب هجویری" تألیف محمود مهرآوران؛ "جلوه‌های تعالیم حکمی و اخلاقی اهل بیت (ع) در متون عرفانی ادب فارسی (تا پایان قرن ششم)" نوشته عباسعلی ابراهیمی مهر، "جایگاه شرح تعرف در میان مآخذ تذکره الاولیا" تألیف سیده مریم روضاتیان و سیدعلی اصغر میرباقری فرد و ...

۲. ضرورت تحقیق

متون عرفانی ادب فارسی به دلیل دربرداشتن معارف اهل بیت (ع)، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و تمدن اسلامی برخوردارند. بررسی و تبیین جایگاه اهل بیت (ع) و سیره آنان، در این متون و در نتیجه پیوند اندیشه‌های اصیل عرفانی با سیره و کلام اهل بیت (ع)، از ضروریاتی است که اهمیت این تحقیق را افزون می‌کند.

۳. شرح حال مستملی بخاری و مذهبش

"التعرف لمذهب التصوف" نوشته ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی (متولد ۳۸۵ق)، کتابی بسیار مهم در تصوف و عرفان زاهدانه (عقاید متشرعانه مبتنی بر مذهب اهل سنت) است؛ این کتاب توسط شاگرد کلابادی، خواجه امام عالم ابوالبرهیم اسماعیل بن محمد بن مستملی بخاری (متوفای ۳۴۳ق) شرح شده و به عنوان کهنترین متن صوفیانه زبان فارسی شناخته شده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/۱).

۴. شرح حال عطار و مذهبش

فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری معروف به عطار (۵۱۳ق) از شاعران بلندمرتبه و عارفان نام آوری است که با حضور خیره کننده اش همگان را به شگفتی واداشت. پدر عطار بنابر قول مشهور، ابراهیم و کنیه اش ابوبکر و شغلش داروفروشی بود. عطار به پیروی از شغل پدر، داروفروشی را ادامه داد. از همان کودکی با تصوف و برنامه های آن آشنایی داشت. وی بر مذهب اهل سنت بود و ارادت خاصی به پیامبر (ص) و علی (ع) داشت (نوروزی، ۱۳۸۳: ۳).

تذکره نویسان تا ۱۱۴ اثر را به عطار منسوب کرده اند؛ اما با بررسی و نقدهای محققان در آثار عطار، با قراین به دست آمده در مجموع چهار مثنوی و یک دیوان قصاید و غزلیات و مجموعه رباعیات را می توان از آن عطار دانست و بقیه را مردود دانسته اند. بنابر مشهور او در ربع اول قرن هفتم و به قولی در سال ۶۱۸ هـ ق از دنیا رفت.

۵. بازتاب سیره امیرالمؤمنین و اهل بیت (ع) در شرح التعرف و تذکرة الاولیا

در قرآن مجید و روایات اسلامی چه شیعه و چه سنی - بر مودت و محبت اهل بیت پیامبر (ص) تأکید فراوان شده است. البته نه فقط از آن جهت که آنان ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل ایشانند؛ بلکه از آن رو که دارای فضیلت های بی شمار و جامع صفات کمال و جمال اند (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۱). به خصوص حضرت علی (ع) که دارای جنبه خاصی مشتمل بر اوصاف و نمونه های برجسته و صفات روحی است که برخی از شیعیان و پس از آنان متصوفه که علی (ع) را سرور و مرجع خود در تصوف قرار داده اند بر آن ها چیزهایی افزوده اند (الشیبی، ۱۹۲۷م: ۷۱).

براساس آنچه در قرآن مجید و روایات آمده است، منظور از اهل بیت پیامبر (ص)، پنج تن آل عبا و دیگر ذریه پاک، یعنی آن‌ها امام معصوم علیهم السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام اند. «ام سلمه می گوید: هنگامی که آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۲ بر پیامبر (ص) نازل شد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را احضار کرده و فرمودند: "اینان، اهل بیت منند" (بیهقی، بی تا: ج ۷/ ۶۳). اهل سنت دوستی اهل بیت (ع) را، دوستی پیامبر (ص) دانسته و به حدیثی از پیامبر استناد می کنند که فرمود:

«أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعَمِهِ وَلِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَأَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ تَعَالَى وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي»^۳؛ خدا را دوست بدارید. از آن روی که از نعمت هایش به شما روزی می دهد و مرا نیز به جهت دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیت را به جهت دوستی من دوست بدارید (صحیح بخاری، ج ۵/ صص ۱۰۱-۱۰۰، ح ۲۲۵ نقل در اسحاقی، ۱۳۸۸: ۱۰).

از میان اهل بیت (ع)، جایگاه حضرت علی (ع) و سخنان ایشان، در کتب صوفیه همواره برجسته است؛ «نخستین چیزی که از اتصال تصوف به علی (ع) دیده می شود این است که کلام علی (ع) داخل کلام پیشینیان متصوفه از زهاد شده است» (الشیبی، ۱۹۲۷م: ۸۸).

صوفیان و به ویژه عالمان این طریق در تألیف کتب خود، سخنانی را از بزرگان دین، به خصوص اهل بیت (ع) برمیگزینند که نشانگر همبستگی آنان با اهل بیت (ع) است. این موضوع، در کتب مهم صوفیه خواه منتسب به شیعه خواه منتسب به اهل سنت به چشم می خورد؛ براین اساس، در این پژوهش نمود و جلوه سیره اهل بیت (ع) در دو کتاب "شرح التعرف لمذهب التصوف" و "تذکره الاولیا عطار" مورد بررسی قرار می گیرد.

۱.۵ جایگاه اهل بیت (ع) و سیره ایشان در کتاب "شرح التعرف لمذهب التصوف"

کتاب التعرف بیشتر به قصد آن تصنیف شده است که توافق عقاید صوفیه را با آراء اهل سنت نشان دهد و تأکید و اصراری که در بیان عقاید اهل سنت دارد از همین نکته است (زرین کوب، ۱۳۹۶: ۶۸). با این وجود «او دیدگاه متوسط سنی منشانه را با تأثیر پذیرفتن از کلام اشعری در این کتاب بازتاب داده و ضمن پذیرفتن و به رسمیت شناختن حداقلی از

تشیع امامی در آن زمان، نسبت به دیگر سلفیان معتدل‌تر است» (ذکاو‌تی قراگزلو، ۱۳۹۰: ۳۸۸).

ارادت مستملی‌بخاری به رسول خدا (ص) از همان عبارات آغازین کتاب مشخص و بارز است (مستملی‌بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۳۵) و باتوجه به انتساب وی به اهل سنت، حضور روایت‌های فراوان از ابوبکر، عمر و عثمان طبیعی است؛ اما علاوه بر خلفای راشدین، وی به حضرت علی (ع) و اهل بیت رسول خدا (ص) نیز ارادت دارد. عبارت "اهل بیت" از کلمات کلیدی در این کتاب است که مستملی به آن بارها استناد کرده و اعتقاد مؤلف به این مسئله که منظور از اهل بیت، حسن و حسین (ع) و خاندان ایشان است، بارز است:

اگر در فرزندان رسول علیه السلام محالی بیند طعن در کننده محال است نه در اصل قرابت رسول که دین او را زیان دارد. که پیغمبر علیه السلام همچنانکه کتاب خدای را به امت زنه‌ار نهاد فرزندان خود را نیز زنه‌ار داد و گفت: کِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى وَ عِتْرَتِي... و جمله جواب آن است که چون سلطان، عمر خطاب باشد و غازی علی بن ابی طالب... و اهل بیت حسن و حسین... (مستملی‌بخاری، ۱۳۶۹: ج ۱/ ۱۱۴).

در کتاب التعرف کلابادی، به پایگاه بلند علمی و عرفانی ائمه تا امام صادق (ع) اشاره شده و در یک باب، که در مورد احوال بزرگان صوفیه است، از امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و امام صادق (ع) یاد شده است (کلابادی، ۱۹۳۳م: ۲۷)؛ این روایت در شرح التعرف در باب ثانی با عنوان «فی ذکر نعت رجال الصوفیه» به زبان فارسی بسط و شرح بیشتری یافته است (مستملی‌بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۹۸).

همچنین عبارت معروف تعبیر "سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي" که از سخنان مولاعلی (ع) است (نهج البلاغه، بی تا: ۲۸۰)، در شرح تعرف نمود یافته است؛ مؤلف ضمن پرداختن به فضایل امام (ع) و معرفی کردن ایشان به عنوان مراد عارفان می نویسد: «روزی بر منبر آمده بود، گفت: سَلُونِي عَمَّا دُونَ الْعَرْشِ فَإِنَّمَا بَيْنَ الْجَوَانِحِ عِلْمًا...» (مستملی‌بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۹۹). به طور کلی، بیان و توصیف سیره اهل بیت (ع)، در کتاب شرح التعرف، را می توان چنین تقسیم بندی کرد:

۱.۱.۵ بیان صفات اهل بیت (ع)

روایت‌ها و داستان‌هایی که در کتاب شرح التعرف در خصوص حضرت علی (ع) و دیگر اهل بیت (ع) بدان‌ها استناد شده است، همگی نشانگر ویژگی و صفات شخصیتی ایشان است:

۱.۱.۱.۵ زهد

زهد در لغت به معنای "بی‌رغبت شدن" است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل زهد) و در ادب فارسی از آن به عنوان ساده‌زیستی تعبیر می‌کنند. از آنجاکه

شیعه در گرایش به زهد- زهدی که از اسلام برخاسته بود- پیشقدم بودند و در تکوین زهد، به اشکال گوناگون، که بالاخره منجر به تصوف شد، شرکت داشتند، چنانکه علی بن حسین (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع) از پیشروان زهد به شمار آمدند (الشیبی، ۱۳۷۴: ۶۴)،

نسبت دادن صفت زهد به ائمه (ع) در کتب عرفانی اهل سنت، همواره مطرح بوده است؛ چنانکه صفت عدم دنیادوستی حضرت علی (ع) در این کتاب چنین روایت شده است: ^۴ «امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه گفت: اگر دنیا از زرستی و عقبی از خاک، بایدی که این زر را که فانی است به جای بگذاشتی ازبهر خاک باقی، که خاک باقی بهتر از زر فانی» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۶۸).

همچنین داستانی از امام جعفر صادق (ع) و پوشش وی ذکر شده است که نمودی از زهدورزی ایشان است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۲۶).

دنیا نزد اهل بیت (ع)، همچون زندان است؛ چنانکه از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ فَأَيُّ سِجْنٍ جَاءَ مِنْهُ خَيْرٌ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲/ ۲۵۰؛ مجلسی، ج ۲۲۱/ ۶۵). این حدیث در کتاب شرح التعرف بدون ذکر منبع روایت، مورد استناد قرار گرفته است: «ازبهر آنکه مؤمن در دنیا در زندان است و گر همه نعيم جهان پیش زندان نهی، چشمش سوی در مانده باشد تا راحت کی آید» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۱۴۵).

۲.۱.۱.۵ ایثار و بذل و بخشش

ایثار، از دیگر مصادیق سیره نورانی اهل بیت (ع) است که در متون عرفانی متجلی شده است. یکی از نمونه‌های اعلای ایثار، ایثار مالی است که بهای آن کسب رضایت الهی است؛ ایثار مالی اهل بیت (ع) و نازل شدن سوره "هل اتی" در شأن ایشان همچنان که در آثار مختلف شیعی مورد توجه است (مجلسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶۷/۲۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵۳/۶) در این کتاب نیز چنین بیان شده است:

...دگر امیرالمؤمنین علی بود رضی الله عنه. سه شبان روز روزه نگشاد با فاطمه و با حسن و حسین و با خادم. شبی به درویش دادند آن قرصک‌های خویش را، و شبی به یتیم، و شبی به کافری اسیر. تا حق تعالی سوره هل اتی در حق ایشان بفرستاد و گفت: "وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ". و اگر بذل را هیچ فضل نیست مگر آنکه خدای تعالی از وقت آدم تا قیامت رضای هیچ بنده‌ای طلب نکرد مگر رضای مصطفی علیه السلام (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/۱۳۸).

حضرت علی (ع) نمونه ایثار و بخشش است، چنانچه در حین نماز انگشتی خود را بخشید:

بنینی که چون محبت مرتضی کرم الله وجهه به کمال رسید، چنانکه خدا گفت: وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ یعنی علی حب الله، از دوستی آن کس که سر او را غلبه کرده بود هلاک خود و هلاک عیال و فرزندان فراموش کرده بود، و نیز در مشاهدت مخدوم خدمت خویش فراموش کرد تا در نماز انگشتی بداد^۶ (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/۱۱۴۹).

۳.۱.۱.۵ تواضع

مستملی ضمن ذکر سیره پیامبر اکرم (ص) در تواضع و گردن نهادن بر بلا، تواضع و تحمل بر بلا را صفت مهتران - از جمله امام حسن (ع) - می داند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/۲۰۰ و ج ۳/۱۲۶۰).

۴.۱.۱.۵ محبت

یکی از ویژگی‌های حضرت علی (ع) از نگاه مستملی، محبت است؛ مؤلف دلیل محبت علی (ع) را، آیه "هل اتی" معرفی می کند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/۱۰۱۷).

۵.۱.۱.۵ مرگ اندیشی

«علی بوطالب کرم الله وجهه گفت: مَا أَبَالِي وَقَعْتُ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيَّ»^۷
(مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۴۶).

۶.۱.۱.۵ کظم غیظ

در روایتی از بخشش و کظم غیظ امام حسین (ع) سخن گفته است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۲۰۰).

۷.۱.۱.۵ شفا دادن

مستملی، حضرت علی (ع) را در مثل غسل که شفا است توصیف می کند
(مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۵۴۷) و غسل خوردن از دست حضرت علی (ع)، شفا یافتن
و هیچ بیماری در ابدان راه نیافتن را، بیان می کند (همان: ج ۲/ ۵۵۱ و ۵۴۸).

۸.۱.۱.۵ صبر و شب زنده داری

از دیگر ویژگی هایی که برای اهل بیت (ع)، به ویژه حضرت علی (ع) اشاره شده است،
صبر، شب زنده داری و طلب استغفار فراوان است؛ این ویژگی ها بر اساس اقتباس از
سوره فتح آیه ۲۹ روایت شده است: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ، يَعْنِي مُحَمَّدٌ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ... وَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ، عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ ... وَ
تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ، ... وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ، عَلِيُّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ... وَالْمُسْتَغْفِرِينَ
بِالْأَسْحَارِ، عَلِيُّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ ...»^۸ (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۵۴۷).

۲.۱.۵ استفاده از سخنان و روایات اهل بیت (ع) در جهت تأیید و تبیین مطالب خود

۱.۲.۱.۵ توحید

از جمله اصول اساسی مشترک مکتب اهل بیت (ع) و صوفیان توحید است؛ در کتاب
شرح التعرف، سخن حضرت علی (ع) در خصوص توحید نقل شده است: «امیر المؤمنین
علی (ع) را کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ از توحید پرسیدند، گفت توحید آن است که هر چه در سر تو
صورت بندد بدانی که خدای تعالی جز آن است» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۲۴۶؛
ر.ک ج ۲/ ۷۲۵).

۲.۲.۱.۵ معرفت

«این است معنی قول امیرالمؤمنین علی بوطالب کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ که: "سُئِلَ عَنِ الْمَعْرِفَةِ فَقَالَ أَنْ تَعْلَمُ أَنْ مَا تَصَوَّرَ فِي قَلْبِكَ فَالْحَقُّ بِخِلَافِهِ"» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۴ / ۱۶۵۰).

۳.۲.۱.۵ رؤیت

در باب ششم (رؤیت)^۹ مؤلف به نقل روایتی از حضرت علی (ع) می‌پردازد: «باز علی بن ابی طالب رضی الله عنه این آیت را چنین خواند: وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا^{۱۰}. گوید: من از آن بزرگ همت‌ترم که به دیدار ملک ننازم تا به ملک فرود آیم. تا ملک را نبینم مرا آرام نیست» (مستملی بخاری، ۱۳۶۹: ج ۱ / ۳۷۸).

۴.۲.۱.۵ ایمان

«وَرُويَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ طَرِيقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ أَنَّهُ قَالَ: الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳ / ۱۰۲۹).

۵.۲.۱.۵ پشمینه پوشی صوفیه

از پشمینه پوشی، به عنوان ویژگی امام جعفر صادق (ع) یاد شده است (الشیبی، ۱۳۷۴: ۶۴) و از آنجاکه صوفیان، پوششی خاص برای فرقه خود داشتند، در جهت تأیید این پشمینه پوشی همواره به بیان روایت‌های از بزرگان و همچنین اهل بیت (ع)، به‌ویژه امام جعفر صادق (ع) پرداخته‌اند؛ مانند روایت از این امام معصوم در خصوص پوشیدن پلاس در زیر خز گرانمایه (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱ / ۱۲۶).

۶.۲.۱.۵ توبه

در وصف ابوالحسن خرقانی با سخنی از حضرت علی (ع) در خصوص توبه روبه‌رو می‌شویم: «علی گفت -رَضِيَ اللهُ عَنْهُ- الهی! اگر یک روز بود پیش از مرگ مرا توبه ده» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲ / ۷۱۴).

۷.۲.۱.۵ محبت

سخنان حضرت علی (ع) در خصوص محبت، نمونه دیگری از بهره بردن از مکارم و فضایل اهل بیت (ع) در جهت تأیید مباحث عرفانی مؤلف است: «محبت حق تعالی بر سر

امیرالمؤمنین علی و فاطمه زهرا و حسن و حسین رضوان الله علیهم و خادم ایشان چنان غالب بود که هلاک خویش در گرسنگی فراموش کردند و دیگری را بر خویشتن در رضای حق ایثار کردند» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۴/ ۱۳۹۴؛ نک ج ۴/ ۱۵۵۲).

۸.۲.۱.۵ یقین

تعبیر "لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا إِزْدَدْتُ يَقِينًا" که بیانگر مرتبه والای یقین امام علی (ع) و منسوب به اوست (تمیمی آمدی، بی تا: ج ۱/ ۵۶۶؛ مجلسی: ۱۴۰۴ق، ج ۴۰/ ۱۵۳، ج ۸۴/ ۳۰۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱/ ۱۷۰؛ دیلمی، ۱۳۷۱: ج ۱/ ۱۲۴)، غالباً در متون صوفیه به کار رفته و مستملی بخاری نیز بدون ذکر انتساب این سخن به حضرت علی (ع) از آن چنین بهره برده است:

"لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا إِزْدَدْتُ يَقِينًا" گفت: اگر پرده بردارند، من یقین زیادت نگردانم و این سخن یکی از بزرگان است که می گوید: یقین من به قیامت و احوال قیامت به جایگاهی رسیده است که اگر دنیا که حجاب قیامت است و مرگ و گور از میانه برخیزد و احوال قیامت مرا معاینه گردد، یقین من از اینکه هست فزون (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۳۲۴).

۹.۲.۱.۵ ظاهر و باطن قرآن

در باب "اختلافهم فی المعرفة النفس"، سخن حضرت صادق (ع) درخصوص ظاهر و باطن قرآن چنین روایت شده است: «و نیز خبری است که راوی آن جعفر صادق است رضی الله عنه لِكُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَالظَّاهِرُ هُوَ الْعِلْمُ وَ الْبَاطِنُ هُوَ الْمَعْرِفَةُ» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۸۰۵).

۱۰.۲.۱.۵ خوف

مؤلف در تفسیر آیه ای از قرآن مجید، در باب خوف، به کلام امام صادق (ع) استناد می کند که: «و قَالَ جَعْفَرُ صَادِقٌ: الْخَوْفُ خَوْفُ الْقَطِيعَةِ وَ الْجُوعُ جُوعُ الْمَحَبَّةِ وَ الشَّوْقُ وَ نَقْصُ الْأَمْوَالِ الْإِعْرَاضَ عَنِ الدُّنْيَا وَ حِطَامُهَا وَ الْأَنْفُسُ مَخَالَفَةُ النَّفْسِ وَ هَوَاهَا وَ الثَّمَرَاتِ رُؤْيَاهِ التَّقْصِيرِ فِي الطَّاعَاتِ اللَّهِ تَعَالَى» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۰۲۱).

از حضرت علی (ع) نیز در این خصوص روایتی نقل کرده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۰۲۰).

۱۱.۲.۱.۵ جبر و اختیار

مؤلف در باب چهاردهم در مورد استطاعت، به بیان نظریه صوفیان درباره جبر و اختیار پرداخته و سپس سخن امام حسن (ع) را نقل می‌کند که می‌فرماید: «قَالَ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ [عَلَيْهِ السَّلَام] إِنَّ اللَّهَ لَا يُطَاعُ بِإِكْرَاهٍ وَلَا يُعْصَى مَغْلُوبًا وَلَمْ يُهْمَلِ الْعِبَادَ مِنَ الْمَمْلَكَةِ. گفتم: خدای عزوجل را به اکراه طاعت ندارند از بهر آنکه بر طاعت کسی اکراه کند که ورا به آن طاعت حاجت بود» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۴۴۶).

۱۲.۲.۱.۵ قولهم فی الكشف عن الخواطر

«و از این معنی بود گوید امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه النَّاسِ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۱۸۸).

۱۳.۲.۱.۵ صبر

از امام جعفر صادق (ع) روایتی درباره صبر حضرت ایوب (ع) نقل شده است: «تا جعفر صادق رضی الله عنه می‌گوید که حق تعالی برای ایوب علیه السلام بلا نهاد در بلا صابری کرد...» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۲۳۰). در همین باب، روایت دیگری از ایشان ذکر گردیده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۲۳۶).

۳.۱.۵ بیان آیات و احادیثی که مورد استناد شیعه در ارتباط با اهل بیت (ع) است

۱.۳.۱.۵ آیه ولایت

یکی از آیاتی که مقام امامت و ولایت را برای امام علی (ع) از سوی خداوند به اثبات می‌رساند، آیه ولایت است. براساس این آیه، امامت مقام عادی نیست تا از طریق مردم انتخاب شود؛ بلکه مشروعیت امام از طریق خداوند به شایسته‌ترین بنده‌اش واگذار می‌شود (سارویی نژاد، ۱۳۹۱: ۹۰). آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵) همان آیه ولایت است که مورد اجماع شیعه و در آن سخن از بخشش و ایشار بزرگی است که در حین نماز، زکات می‌دهند. این آیه، یکی از آیاتی است که بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) دلالت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۷۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۴۷۷/ ۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ج ۱۴۱۱).

ج ۳۶۵/۱: حرعاملی، بی تا، ج ۲۲۷/۳، قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۵۱/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۸۷/۱).

در شرح تعرف، داستان بخشیدن انگشتی به سائل، توسط حضرت علی (ع) در حالی که در نماز هستند، روایت می گردد، اگرچه مؤلف به خود آیه و شأن نزول آن درخصوص حضرت علی (ع) اشاره ای نکرده است؛ اما محبت علی (ع) و اهل بیت (ع) مانع از انکار کرامت حضرت علی (ع) از جانب مؤلف می گردد: «نبینی که چون محبت مرتضی کرم الله وجهه به کمال رسید... نیز در مشاهدت مخدوم خدمت خویش فراموش کرد تا در نماز انگشتی بداد و خبر نداشت» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/ ۱۱۴۹).

۲.۳.۱.۵ حدیث ثقلین

حدیث ثقلین در صدها کتب عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعه) با اسناد و به طرق گوناگون و معتبر نقل شده است که در میان تمام روایات اسلامی از نظر اعتبار و سند کم نظیر است و جای هیچ شک نیست^{۱۲}. شیخ حرعاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه می گوید: «حدیث ثقلین بین عامه و خاصه متواتر و از رسول گرامی روایت شده است» (حرعاملی: ۱۳۹۸ق، ج ۳۳/۲۷). مستملی در کتاب خویش، از زبان رسول گرامی (ص)، این حدیث را درخصوص اهل بیت (ع) روایت کرده است: «پیغمبر علیه السلام همچنانکه کتاب خدای را به امت زنده نهد فرزندان خود را نیز زنده داد و گفت: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي...» (مستملی بخاری: ۱۳۶۳، ج ۱/ ۱۱۴).

۳.۳.۱.۵ آیه هل اتی (سوره انسان)

بر اساس روایات پرشماری که در منابع شیعه^{۱۳} و سنی آمده، سوره "هل اتی" در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است. علامه امینی در الغدیر ۳۴ تن از علمای اهل سنت از جمله اسکافی، ترمذی، طبری، ابن عبدربه قرطبی، ابن مردویه، ثعلبی، واحدی، زمخشری و خوارزمی را نام برده که این شأن نزول را گزارش کرده اند (علامه امینی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۷/۳-۱۱۱).

بنابراین فضایل مهم و عبرت آموز اهل بیت (ع) در آیات سوره انسان مطرح شده است که از سی و یک آیه این سوره، هجده آیه پیرامون این فضیلت بی نظیر سخن می گوید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان/۸).

در شرح التعریف، در زمانی که پیامبر، خلق را به صدقه دادن تشویق کرد، حضرت علی (ع) به صدقه دادن اقدام نمود، چنانچه افطار خود و فاطمه و حسن و حسین (ع) را به دیگران بخشید و در نتیجه آن سوره هل اتی در شأن ایشان و اهل بیتش نزول یافت (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۱۳۸).

۴.۳.۱.۵ آیه تطهیر

یکی از آیاتی که دلالت بر عصمت امامان شیعه دارد آیه تطهیر است؛ مفسران و محدثان شیعه همگی اتفاق نظر دارند که این آیه شریفه در مورد پنج تن آل عبا نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۲/۳۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴۲۳/۱؛ حرعاملی، بی تا: ج ۱/ ۱۷۸؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱۸۸/۲۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۲۸۳/۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۶: ج ۱۸۸/۲۷؛ اما اهل سنت در مورد آن دچار اختلاف شده‌اند و برای آن مصادیقی ذکر کرده‌اند. ولی جمع کثیری از آن‌ها بر همین عقیده شیعه می‌باشند که آیه در مورد امام علی (ع) و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین (ع) است؛ چنانچه احمد بن محمد شامی، عالم اهل سنت در این باره می‌گوید: «مهمترین کتاب‌های اهل سنت و تمامی کتب شیعه بر این عقیده‌اند که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر رسول خدا (ص)، علی (ع)، فاطمه (س) و امام حسن و حسین (ع) است» (ثعلبی، ۱۴۰۵: ج ۷/ ۴۲). در کتاب شرح تعرف نیز، مؤلف بر این عقیده است که:

و خدای تعالی در حق ایشان گفته باشد: اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً و روزی پیغمبر علیه السلام با علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و با حسن و حسین رضی الله عنهم در زیر گلیمی رفته بودند. جبریل علیه السلام بیامد و گفت: یا محمد، دستوری ده تا من نیز به زیر گلیم درآیم تا ششم شما باشم (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۲۰۰).

۵.۳.۱.۵ آیه اکمال دین

بر طبق روایت‌های مستند، پیغمبر (ص) مردم را در غدیر خم به سوی علی (ع) دعوت نمود، پس از نزول آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»، رسول خدا (ص) فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ» (علامه امینی، ۱۴۰۳: ج ۱/ ۲۲۳). اگرچه مؤلف شرح التعریف، به زمان و مکان این سخن

در باب حضرت علی (ع) اشاره‌ای نکرده است؛ اما بدین حدیث در مورد ارزش والای حضرت علی (ع) استناد می‌کند:

گفتیم اهل بیت را بد مگوئید خاصه علی را رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم گفت مراو را: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. و نیز گفت: مَنْ كُنْتُ مَوْلَا فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. و صاحب ذوالفقار بود و شمشیر دین بود، و زوج بتول بود و پدر شبر و شبیر بود رضی الله عنه (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱ / ۴۶۱).

نکته: در شرح تعرف با همه اظهار ارادتی که مؤلف به اهل بیت (ع) دارد، مطالبی در خصوص خلافت و جانشینی حضرت (علی) و نیز بحث مهدویت که گاهی توجیه منطقی ندارد، یافت می‌شود که در جهت حفظ ارتباط کلی مطالب در این اثر، بدان‌ها اشاره ننمودیم؛ با این همه برای اینکه همه جوانب سنجیده شود از نقل آن در پیوست‌ها چشم‌پوشی نکردیم.^{۱۵}

۲.۵ جایگاه اهل بیت (ع) و سیره ایشان در "تذکره الاولیا" عطار

تذکره الاولیا چنان‌که از نامش پیداست کتابی درباره سرگذشت، کرامت‌ها، سخنان و اندیشه‌های عارفان بزرگ است. اصل کتاب هفتادودو بخش دارد که نخستین بخش، درباره امام صادق (ع) و آخرینش درباره حلاج است (عطار، ۱۳۸۰: دوازده). استعلامی در مقدمه خود بر تذکره الاولیا معتقد است او مذهب اهل سنت داشته و اظهار عشق و علاقه آتشین به خلفای سه‌گانه و تکریم ائمه اهل سنت در تذکره الاولیا دلیلی است ظاهر و غیرقابل انکار. اندرزهای عطار به متعصبان - که در آن‌ها روی سخن با شیعیان است - و غلو او در دفاع از عقاید سنیان و صحت خلافت ابوبکر و عمر به حدی صریح و تند است که به هیچ‌روی تأویل نمی‌پذیرد؛ اما با این وجود، اخلاص و ارادت و نحوه ستایش او از حضرت علی (ع)، صدق آمیز و مبنی بر حسن اعتقاد اوست. به هر حال، شیخ خواه سنی و یا شیعه باشد، در سلک تصوف قدم می‌زده است و عموماً صوفیان، سند خرقه خود را به نقطه دایره ولایت محمدیه متصل می‌سازند و در عقد بیعت، علی را دستگیر خود می‌دانند (عطار، ۱۳۸۰: سی و پنج). استعلامی معتقد است که عطار «توجه دارد که اولیا روش و دید یکسان ندارند، اما چون آنان را در راه حق می‌داند، هریک را در جای خود می‌ستاید. به همین دلیل،

امام ششم شیعیان، حضرت صادق علیه السلام، را در کنار چهار امام اهل سنت می‌بینیم» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۸).

سخن از امیرالمؤمنین علی (ع) در تذکره‌الاولیا چشمگیر است و همواره با لقب "مرتضی" از وی نام برده است (عطار، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۴) و همین‌طور امام جعفر صادق (ع) که نخستین باب از کتاب را به ایشان اختصاص داده است. عطار در کتاب خود، به ذکر مختصری از اهل بیت (ع) و صحابه پرداخته است؛ لیکن به عقیده وی، ذکر انبیاء، صحابه و اهل بیت (ع) کتابی جداگانه می‌طلبد:

اما بعد، چون از قرآن و اخبار گذشتی، هیچ سخن بالای سخن مشایخ نیست - رحمهم الله -... و اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت می‌کردم، یک کتاب دیگر می‌بایست جداگانه. و شرح قومی چگونه در زبان می‌گنجد، که ایشان خود مذکور خدا و رسول‌اند، و محمود قرآن و اخبار... انبیا و صحابه و اهل بیت سه قوم‌اند. ان‌شالله، در ذکر ایشان کتابی جمع کرده آید تا از آن سه قوم مثلی از عطار یادگار ماند (عطار، ۱۳۸۰: ۶).

در تذکره‌الاولیا عطار، جلوه اهل بیت (ع) و سیره ایشان کمتر از شرح تعرف نمود دارد؛ باین‌حال در این کتاب، سیره اهل بیت (ع) را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱.۲.۵ بیان صفات اهل بیت (ع)

فصل آغازین کتاب، به نام مبارک امام جعفر صادق (ع) آغاز شده است و ایشان را چنین وصف کرده است: «آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عامل صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن جگرگوشه انبیاء، آن ناقد علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق: جعفر الصادق رضی الله عنه» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۲).

درخصوص امام محمدباقر (ع) نیز چنین نقل کرده است: «آن حجت اهل معاملات، آن برهان از باب مشاهدت، آن امام اولاد نبی، آن گزیده احفاد علی، آن ... ابوجعفر محمدباقر -رضی الله عنه-...» (عطار، ۱۳۸۰: ۸۱۹).

توصیفی که از زبان جنید بغدادی درخصوص حضرت علی (ع) ارائه می‌دهد، دربردارنده صفات ایشان است:

...و گفت شیخ ما در اصول و فروع و بلا کشیدن، امیرالمؤمنین علی [مرتضی] است - علیه السلام - مرتضی را در گزاردن حرب‌ها، از او چیزها حکایت کردند که کس

طاقت شنیدن آن ندارد، که او امیری بود که خداوند - تعالی - او را چندان علم و حکمت کرامت کرده بود (عطار، ۱۳۸۰: ۴۲۰).

علاوه بر این توصیفات، صفاتی نیز در خصوص اهل بیت عصمت و طهارت توسط مؤلف برجسته شده و به وسیله روایت‌هایی بیان می‌شوند:

۱.۱.۲.۵ تواضع

در صفت امام جعفر صادق (ع):

نقل است که یکبار داود طایی پیش صادق آمد و گفت: "ای پسر رسول خدای! مرا پندی ده که دلم سیاه شده است." گفت: "یا باسلیمان! تو زاهد زمانه‌ای. تو را به پند من چه حاجت است؟" گفت: "ای فرزند پیغمبر! شما را بر همه خلائق فضل است و پند دادن همه بر تو واجب است." گفت: "یا باسلیمان! من از آن می‌ترسم که به قیامت، جد من دست در من زند که "چرا حق متابعت من نگزاردی؟ این کار به نسبت صحیح و به نسبت قوی نیست. این کار به معامله‌یی است که شایسته حضرت حق افتد." داود بگریست و گفت: "بار خدایا! آن که معجون طینت او از آب نبوت است و جدش رسول است و مادرش بتول است، او بدین حیرانی است. داود که باشد که به معامله خود معجب شو؟" (عطار، ۱۳۸۰: ۱۴؛ ر.ک همان: ۱۵).

در صفت حضرت علی (ع):

تواضع از خصلت‌هایی حضرت علی (ع) است که عطار در روایت‌های خود بارها به آن اشاره کرده است:

فتح گفت: امیرالمؤمنین علی - علیه اسلام - را به خواب دیدم. گفتم: "مرا وصیتی کن." گفت: "ندیدم نیکوتر از تواضع. چیزی که توانگر کند مرد درویش را، جز امید ثواب حق... نیکوتر از این کبر درویش است بر توانگر از غایت اعتماد که او دارد بر حق (عطار، ۱۳۸۰: ۳۴۳).

۲.۱.۲.۵ زهد

«نقل است که صادق را گفتند: همه هنرها داری: زهد و کرم باطن» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۵).

۳.۱.۲.۵ کرامات

نقل است که روزی تنها در راهی می‌رفت و الله‌الله می‌گفت. سوخته‌ای بر عقب او می‌رفت و الله‌الله می‌گفت. صادق گفت: الله! جبه ندارم. الله جامه ندارم! در حال دستی جامه حاضر شد. جعفر درپوشید. آن سوخته پیش رفت و گفت: ای خواجه! در الله گفتن با تو شریک بودم، آن کهنه خود به من ده. صادق را خوش آمد و آن کهنه به او داد (عطار، ۱۳۸۰: ۱۶).

۴.۱.۲.۵ عدل و علم

عدل و علم از ویژگی‌هایی است که از زبان شقیق بلخی در وصف حضرت علی (ع) روایت شده و عطار آن را نقل کرده است (عطار، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

۲.۲.۵ استفاده از سخنان و روایات اهل بیت (ع) در جهت تأیید و تبیین مطالب خود

۱.۲.۲.۵ یکی از موارد جلوه اهل بیت (ع) در تذکره‌الاولیا عطار، استناد به سخنان ایشان در تأیید مطلب خود است

در تفسیر آیه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ» (بقره/۲۵۶)، به ترجمه روایتی از امام محمدباقر (ع) استناد شده است: «بازدارنده تو از مطالعه حق طاغوت است، بنگر تا [به] چه محجوبی؟ بدان حجاب از وی بازمانده‌ای. به ترک آن حجاب بگویی که به کشف ابدی برسی و محجوب ممنوع باشد و ممنوعی که دعوت قربت کند» (عطار، ۱۳۸۰: ۷۱۲).

همچنین از سخنان حضرت علی (ع) برای بیان مقصود خود بهره گرفته است؛ چنانچه در ذکر امام ابوحنیفه، بیان کرده است: «وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ -عَلَيْهِ السَّلَامُ-: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: طُوبَى لِمَنْ رَأَى مَنْ رَأَى» (عطار، ۱۳۸۰: ۲۴۱).

۲.۲.۲.۵ رؤیت خدا

نقل است که یکی پیش صادق آمد و گفت: خدای را به من بنمای. گفت: آخر نشنیده‌ای که موسی را گفتند لَنْ تَرَانِي. گفت: آری! اما این ملت محمد است که یکی فریاد می‌کند که: رَأَى قَلْبِي رَبِّي، دیگری نعره می‌زند که لَمْ أَعْبُدْ رَبًّا لَمْ أَرَهُ. صادق گفت: او را ببندید و در دجله اندازید. او را بیستند و در دجله انداختند. آب او را فروبرد. باز برانداخت. گفت: یا ابن رسول الله! الغياث، الغياث. صادق گفت: ای آب!

فرو برش... همچنین چند کُرت آب را می گفت که فروبر، فرومی برد. چون برمی آورد می گفت: یابن رسول الله! الغیاث، الغیاث. چون از همه نومید شد و وجودش همه غرق شد و امید از خلائق منقطع کرد این نوبت که آب او را برآورد گفت: الهی الغیاث، الغیاث. صادق گفت: او را برآرید... پس گفت: حق را بدیدی. گفت: تا دست در غیری می زدم در حجاب می بودم. چون به کلی پناه بدو بردم و مضطر شدم روزنه ای در درون دلم گشاده شد؛ آنجا فرونگریستم. آنچه می جستم بدیدم و تا اضطرار نبود آن نبود که اَمَّنْ یَجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ ... (عطار، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۷)؛

سخن دیگری از امام جعفر صادق (ع) در این خصوص روایت شده است که: «سر معاینه آنگاه مرا مسلم شد، که رقم دیوانگی بر من کشیدند» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۸).

۳.۲.۲.۵ توحید

... و این سخن آن است که از مرتضی سؤال کردند که: خدای عزوجل را به چه شناختی؟ گفت: بدان که شناسا گردانید مرا به خود، که او خداوندی است که او را شبیه نیست و او را درنتوان یافت به هیچ وجهی و او را قیاس نتوان کرد به هیچ خلقی، که او نزدیک است در دوری خویش و دور در نزدیکی خویش، بالای همه چیزهاست و نتوان گفت که تحت او چیزی هست... سبحان آن خدایی که او چنین است، و چنین نیست هیچ چیز از غیر او (عطار، ۱۳۸۰: ۴۲۰).

۴.۲.۲.۵ خوف

امام جعفر صادق (ع):

و گفت: هر آن معصیت که اول آن ترس بود و آخر آن عذر، بنده را به حق رساند و هر آن طاعت که اول آن امن بود و آخر آن عجب، بنده را از حق-تعالی- دورگرداند. مطیع با عجب، عاصی است و عاصی با عذر، مطیع (عطار، ۱۳۸۰: ۱۷).

۵.۲.۲.۵ صبر

از امام جعفر صادق (ع) چنین نقل شده است که: «درویش صابر فاضل تر است یا توانگر شاکر؟ گفت: درویش صابر، که توانگر را دل به کیسه بود و درویش را خدا» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۷)

۶.۲.۲.۵ توبه

امام جعفر صادق (ع): «عبادت جز به توبه راست نیاید که حق تعالی توبه مقدم گردانید بر عبادت» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۷)

۷.۲.۲.۵ کرامات

امام جعفر صادق (ع): «هرکه مجاهده کند با نفس برای نفس، برسد به کرامات و هرکه مجاهده کند با نفس برای خداوند، برسد به خداوند» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۷).

۸.۲.۲.۵ عشق

امام جعفر صادق (ع): «عشق، جنون الهی است، نه مذموم است و نه محمود» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۸)

۹.۲.۲.۵ فقر و توکل

عطار گاهی برای بیان مطالب عرفانی و تأیید و تبیین آن‌ها، به بیان روایتی در قالب خواب دیدن یکی از ائمه، توسط یک عارف اشاره می‌کند؛ چنانچه از زبان بشر نقل می‌کند: «و گفتم: شبی مرتضی را -علیه السلام- به خواب دیدم. گفتم امیرالمؤمنین! مرا پندی ده. گفت: چه نیکوست شفقت توانگران به درویشان، برای طلب ثواب رحمانی... و اعتماد بر کرم آفریدگار جهان» (عطار، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

۶. تأثیرپذیری عطار از شرح تعرف مستملی در بیان سیره اهل بیت (ع)

در بررسی‌های دکتر استعلامی، شرح تعرف جزو منابع مورد استفاده عطار ذکر نگردیده است؛ اما باید خاطر نشان کرد که شرح تعرف به عنوان منبع اصلی کتب عرفانی، تأثیرگذاری وافری بر روی آثار بعد از خود داشته است؛ چنانچه در پژوهشی شرح تعرف را یکی از منابع مورد استفاده عطار معرفی کرده‌اند (روضاتیان و میرباقری، ۱۳۸۹: ۹-۲۸)؛ بنابراین پس از بررسی مباحث مرتبط با سیره اهل بیت (ع) در این دو کتاب، می‌توان موارد زیر را جزو مشترکات و تأثیرپذیری عطار از شرح تعرف دانست:

۱.۶ ارادت دو مؤلف نسبت به اهل بیت (ع) و عدم سوگیری نسبت به ایشان

مستملی بخاری در کتاب خود، منظور از اهل بیت (ع) را حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان دانسته و گفته است: «اهل بیت حسن و حسین...» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۱۱۴) و حضرت علی (ع) را خلیفه چهارم دانسته و در وصف ایشان چنین گفته است: «و دین را قوت به قوت علی کنیم از بهر آنکه برادر ناصر ما است...» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۲/ ۵۴۹) و «هرکه محب علی نیست وی را نصرت دین نیست» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۲/ ۵۴۹) و نیز روایت است که در روز قیامت «پیامبر صلی الله علیه وسلم... لواء علی را دهد... از بهر آنکه علی غازی بود و مبرز بود، و علم غازی را باید بردن...» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۲/ ۵۵۰).

بنابراین بر طبق توصیفات مستملی بخاری از اهل بیت (ع)، ارادت وی نسبت به ایشان بارز است و امامت حضرت علی (ع) را حق دانسته و چنین بیان می کند که: «و اما کلام اندر امامت آن است که ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم هر چهار امامان حق بودند...» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۲/ ۵۲۱).

مستملی بخاری، خود را از روافض و ناصبیان جدا کرده تا ارادتش نسبت به اهل بیت (ع) مورد تردید قرار نگیرد. از نظر وی «هرکه محب علی نیست او را هیچ راحتی نیست» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۲/ ۵۴۸) و در نهایت «مناقب کسانی که پاره ای از پیغمبر باشند کی توان گفت؟» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱/ ۲۰۰).

عطار نیز اگرچه اهل سنت است؛ اما ارادتش نسبت به اهل بیت را، به صورت آشکارا بیان می دارد، چنانکه خود نیز بر آغاز کردن کتابش به نام مبارک امام جعفر صادق (ع) اشاره دارد:

گفته بودیم که اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم کتابی جداگانه باید ساخت این کتاب شرح اولیاست که پس از ایشان بوده اند اما به سبب تبرک به صادق ابتدا کنیم که او نیز بعد از ایشان بوده است. و چون از اهل بیت بود و ... (عطار، ۱۳۸۰: ۱۳).

همان طور که مستملی به اهل بیت (ع) اشاره کرده است، عطار نیز معتقد است اهل بیت (ع)، همان خویشاوندان رسول خدا هستند:

عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که [اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است] که اهل سنت و جماعت اهل بیت اند به حقیقت. و من آن نمی دانم

که کسی در خیال باطل مانده است، آن می‌دانم که هر که به محمد - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - ایمان دارد و به فرزندانش ایمان ندارد، او به محمد - علیه‌الصلاة والسلام - ایمان ندارد (عطار، ۱۳۸۰: ۱۳).

ارادت عطار به اهل بیت (ع) به وسیله روایتی از امام شافعی چنین بیان می‌شود:

امام اعظم شافعی - رحمه‌الله‌علیه - در دوستی اهل بیت تا به غایتی بوده است که به رفضش نسبت کردند و محبوس کردند و او در این معنی شعری گفته و یک بیت این است: شعر

إِنْ كَانَ رَفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَيْشَهِدِ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضٍ

یعنی اگر دوستی آل محمد رفض است گو: جمله جن و انس گواهی دهند به رفض من؛ و اگر آل و اصحاب رسول دانستن، از اصول ایمان نیست، بسی فضولی که به کار نمی‌آید، می‌دانی. اگر این نیز بدانی زیان ندارد، بل که انصاف آن است که چون پادشاه دنیا و آخرت محمد را می‌دانی و زرای او را نیز به جای خود می‌باید شناخت، و صحابه را به جای خود، و فرزندان او را به جای خود می‌باید شناخت تا سنی و پاک اعتقاد باشی و با هیچ کس از نزدیکان پادشاه تعصب نکنی الا به حق... (عطار، ۱۳۸۰: ۱۳).

همچنین لازم به ذکر است که در دو کتاب، بسامد بالای روایت‌های مرتبط با حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق (ع) نشانگر همفکر بودن دو مؤلف است.

۲.۶ هم‌نشینی اهل بیت (ع) با صوفیان و عارفان معروف

در هر دو کتاب به هم‌نشینی و ارادت برخی از عارفان با اهل بیت (ع) اشاره شده است و چه بسا عارفانی که خرقه از دست ائمه (ع) گرفته‌اند؛ دیدار حضرت علی (ع) و عمر با او ایس قرنی (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۴ / ۱۶۴۰) و تطابق این روایت با روایت عطار، از زبان هرم بن حیان و ارادتش نسبت به حضرت علی (ع) (عطار، ۱۳۸۰: ۳۵) و نشانگر تأثیرپذیری عطار از مستملی است.

بقیه روایت‌های دیدار عارفان با حضرت علی (ع) و ائمه دیگر، حاکی از تصویرسازی هر دو مؤلف در جهت تبیین همسو بودن تصوف و عرفان با سیره اهل بیت (ع) است؛ عطار در زمینه روایت هم‌نشینی و هم‌صحبتی عارفان با ائمه (ع)، بر مستملی پیشی گرفته است؛ از جمله این روایت‌ها، می‌توان به ارادت حسن بصری نسبت به حضرت علی (ع) و

خرقه گرفتن از او (عطار، ۱۳۸۰: ۳۱)، دیدار ابوحنیفه و امام جعفر صادق (ع) (عطار، ۱۳۸۰: ۲۴۱)، دیدار محمد بن اسلم الطوسی با علی بن موسی الرضا، مسلمان شدن معروف کرخی توسط امام رضا (ع) (عطار، ۱۳۸۰: ۳۲۴) و دیدار بایزید بسطامی و امام جعفر صادق (ع) (عطار، ۱۳۸۰: ۱۶۱) اشاره کرد.

۳.۶ ارادت هر دو مؤلف به امام حسین (ع) و بحث کربلا

در شرح تعرف، در روایت نوشته شدن ذکر امتان در لوح محفوظ، چنین آمده است: «باز امر آمد که بنویس که این امت گلوی فرزند پیغامبر خویش صلی الله علیه و سلم ببرند همچنان که قصاب گلوی گوسفند برد. قلم بلرزد و بایستاد از هیبت» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۵۸-۵۹).

ارادت مؤلف به اهل بیت پیامبر در این تمثیل برجسته است؛ براساس این تمثیل، هیبتی از شنیدن بریده شدن گلوی فرزند پیامبر بر قلم وارد می شود و باعث شکافته شدن سر قلم می گردد و از این جهت این سر شکافتن قلم، سستی دیرینه می گردد. مستملی بخاری تلاش کرده است با زبانی ادیبانه و رمزگونه درخصوص شهادت فرزند رسول الله و زشتی این امر سخن براند و بدین گونه ارادت وی به اهل بیت و علی الخصوص امام حسین (ع) آشکار می گردد. در روایتی دیگر نیز مسئله شهادت امام حسین (ع) را روایت کرده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۶۰۸).

در تذکره الاولیا عطار، در فصل نود و هفت، ذکر امام محمد باقر (ع)، اشاره ای به غم و اندوه ایشان بر از دست دادن اجداد خود در کربلا دارد که بیانگر دغدغه ذهنی عطار درخصوص امام حسین (ع) و حادثه کربلا بوده است: «من ده کس از اجداد خود یعنی حسین و قبیله او را در کربلا گم کرده ام. کم از آن که در فراق ایشان دیده ها سفید کنم؟» (عطار، ۱۳۸۰: ۸۲۰).

۴.۶ روایت مشترک در سیره اهل بیت (ع) در هر دو کتاب

۱.۴.۶ داستان امام جعفر صادق (ع) و منصور

در شرح التعرف، در باب «ذکر نعت رجال صوفیه» داستان منصور عباسی و قصد کشتن جعفر صادق (ع) روایت شده است که برطبق این روایت، منصور، شبی وزیر خود،

محمد اسقنطری، را بخواند و گفت جعفر بن صادق را بیار تا بکشم. در این روایت، چون امام وارد مجلس منصور شد، منصور به پا خاست و امام را بر صدر نشاند، گویند لرزه بر اندام منصور افتاد و دواچه‌ها خواست و چندی خفت، بعد از بیدار شدن وی، وزیر از وی پرسید که ترا چه شد؟ گفت چون او پا بر سر نهاد، ازدهایی دیدم که یک لب بر زیر صغه نهاد و یک لبه بر زیر صغه و به زبان فصیح مرا گفت: اگر تو او را بیازاری یا رنجی رسانی ترا با صغه به هم فروبرم (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۱۹۸).

در کتاب تذکره‌الاولیا عطار نیز این روایت با اندک تفاوت روایت شده است؛ در این روایت نام وزیر ذکر نشده و به بیهوشی سه روزه منصور بعد از دیدن ازدها اشاره شده است (عطار، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۵).

۲.۴.۶ داستان ابوبکر کتانی و امیرالمؤمنین (ع)

روایت مشترک دیگری از امیرالمؤمنین علی (ع) در شرح تعرف و تذکره‌الاولیا دیده می‌شود که البته با کمی تفاوت در نحوه بیان در تذکره‌الاولیا روایت شده است، روایتی که به نقل کدورت ابوبکر کتانی از امیرالمؤمنین (ع) و خواب دیدن وی پیامبر را و رفع کدورت مابین خود و امام علی (ع) پرداخته است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۲۱۸). در کتاب عطار نیز، با اندک تفاوت جزئی این روایت نقل شده است (عطار، ۱۳۸۰: ۵۶۵-۵۶۶).

۳.۴.۶ داستان پوشش خز امام جعفر صادق (ع) و داشتن پلاسی در زیر

داستان پوشش خز داشتن امام جعفر صادق (ع) و لباس پلاس داشتن در زیر آن به عینه در هر دو کتاب نقل شده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۲۶؛ عطار، ۱۳۸۰: ۱۵).

۷. نتیجه‌گیری

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های کتب عرفانی، نقل روایات اهل بیت (ع) و نیز تفسیر آیات با استفاده از روایات ایشان است که بدون هیچ‌گونه تعصب و جانب‌داری آن‌ها را ذکر کرده‌اند. اگرچه سخن مستملی و عطار، برمدار مذهب اهل سنت می‌چرخد، هر دو، به روایت‌های اهل بیت (ع) علی‌الخصوص حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق (ع) پرداخته‌اند. در کتاب شرح تعرف بیان و توصیف جایگاه اهل بیت (ع) را می‌توان ذیل این عناوین دسته‌بندی کرد: "بیان صفات اهل بیت (ع)"، "بیان سخنان اهل بیت (ع) در تأیید بیانات

خود"، "بیان آیات و احادیث مورد استناد شیعه در ارتباط با اهل بیت (ع)؛ لیکن در کتاب تذکره الاولیا تنها دو مبحث "استفاده از سخنان و روایات اهل بیت (ع) در جهت تأیید بیانات خود" و "بیان صفات اهل بیت (ع)" قابل بیان است.

عطار در تألیف اثر خود، از شرح التعرف نیز تأثیر پذیرفته است، همچنین در نگرش خود نسبت به اهل بیت (ع) و ارادت به ایشان، ارادت به امام حسین (ع) و بیان ماجرای کربلا، و بیان چندین روایت مشترک در خصوص اهل بیت (ع) با کتاب شرح التعرف مشترک است.

همچنین باید این نکته را در نظر داشته باشیم که هدفی که عطار و مستملی بخاری از بیان این داستان‌ها دنبال می‌کنند، بیان مضامین عرفانی است و آنچه از نظر آنان اهمیت دارد، نتیجه‌ای است که از این داستان‌ها حاصل می‌شود. با تمام این احوال نگاه مستملی و عطار در این دو اثر، آزادمنشانه است و درصدد برآمده‌اند که درگیری‌های فرقه‌ای را کنار گذاشته و مذاهب را به یکدیگر نزدیک کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور سلسله نقشبندیه است.
۲. سوره احزاب/۳۳.
۳. این حدیث در کتب شیعه نیز مورد استناد قرار گرفته است؛ رجوع شود به: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲/۲ و ۱۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴۹/۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷/۱۶.
۴. برای نمونه بیشتر مراجعه شود به: مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۳/۱۲۲۱.
۵. سوره انسان/آیه ۸ و ۹.
۶. داستان بخشش حضرت علی (ع) انگشتی در حال رکوع و آیه ولایت:
آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»
(مائده/۵۵).
۷. این سخن حضرت علی (ع) در کتب شیعه بسیار مورد استناد است (نهج البلاغه، بی‌تا: ج ۹۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۳۳/۴۲؛ نوری، ۱۴۰۶ق: ج ۱۰۰/۲؛ ابن بابویه، بی‌تا: ج ۲۹۷/۱).
۸. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ

شَطَاهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح/۲۹).

۹. برای مشاهده شواهد بیشتر درخصوص رؤیت مراجعه شود به مستملی بخاری، ج ۱/ ۳۸۵ و ج ۱/ ۳۹۷.

۱۰. انسان/۲۰.

۱۱. این سخن حضرت علی (ع) در کتب معتبر شیعی همواره مورد استناد بوده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۳۴/۵۰؛ شریف‌الرضی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۱۲/۱؛ ابن‌ابی‌الجمهور، ۱۴۰۳ق: ج ۷۳/۴).

۱۲. در کتب شیعه به این حدیث بسیار استناد شده است:

مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۳/۸۹؛ ج ۱۵/۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷/۲۰۴، ج ۲۷/۱۸۸؛ حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱۹۳/۵، ج ۲۷۱/۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱/۲۵؛ ابن‌بابویه، بی‌تا: ج ۲/۶۲.

۱۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۵۴/۳۵؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱۶۹/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۶۵/۵.

۱۴. برای مطالعه بیشتر در منابع شیعی رجوع کنید به:

ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲۲۹/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۲/۳۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۲۸۶/۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵۶۶/۴؛ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۲۶۳/۳.

۱۵. نگرش مستملی در مبحث ولایت و خلافت، با مخالفت با گروه معتزله که تنها امامت را در فرزندان حضرت علی (ع) می‌دانند همراه است، یکی از آیاتی که مقام امامت و ولایت را برای امام علی (ع) از سوی خداوند به اثبات می‌رساند، آیه اولی الامر است، که توسط شیعه مورد استناد قرار می‌گیرد (نساء/۵۹). مستملی بخاری اگرچه به این آیه اشاره کرده است؛ لیکن از این آیه در جایی در جهت مخالفت با گروه معتزله که تنها امامت را در حق فرزندان حضرت علی (ع) می‌دانند، استفاده کرده است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/۵۶۳). برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: مستملی بخاری، ج ۲: ۵۵۶؛ ج ۲/ ۵۴۲؛ ج ۴: ۱۸۰۰؛ ج ۲/ ۵۴۷؛ ج ۲: ۵۴۶-۵۴۷.

- مؤلف در بحث مهدویت نیز نظراتی دارد که با نظرات شیعه مخالف است و لذا در متن مقاله از ذکر آن‌ها خودداری نمودیم؛ برای مطالعه رجوع کنید به مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۵۴۳.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

علی بن ابی طالب علیه السلام (بی‌تا). "نهج البلاغه"، قم: انتشارات دارالهجره.

- ابراهیمی مهر، عباسعلی (۱۳۹۶). "جلوه‌های تعالیم حکمی و اخلاقی اهل بیت (ع) در متون عرفانی ادب فارسی (تا پایان قرن ششم)" فصلنامه علمی-ترویجی بهارستان سخن، سال چهاردهم، شماره ۳۷.
- ابن ابی‌الجمهور، محمدبن‌زین‌الدین (۱۴۰۳ق). "عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة"، تحقیق مجتبی عراقی، قم: موسسه سیدالشهداء (ع).
- ابن بابویه، محمدبن علی (بی‌تا). "عیون أخبار الرضا علیه‌السلام"، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۹۵). "کمال الدین و تمام النعمه (اسلامیه)"، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). "من لایحضره الفقیه"، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اربلی، علی‌بن عیسی (۱۳۸۱). "کشف الغمه فی المعرفة الأئمة"، مقدمه جعفر سبحانی تبریزی، تبریز: بنی هاشمی.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۸). "کتابیه‌های محبت: فضیلت‌های اهل بیت علیهم‌السلام از زبان اهل سنت در قالب داستان"، تهران: مشعر.
- امینی، نوروز (۱۳۸۷). "روایات اهل بیت (ع) در منابع اهل سنت"، نشریه علوم حدیث، دوره ۱۳، شماره ۱(۴۷)، صص ۱۴۶-۱۸۴.
- بیهقی، احمدبن حسین (بی‌تا). "السنن الکبری"، بیروت: دارالفکر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (بی‌تا). "غررالحکم و دررالکلم"، تصحیح مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ثعلبی، احمدبن محمد (۱۴۰۵ق). "الکشف و البیان"، بیروت: دارالحیاء تراث.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۹۸ق). "وسائل الشیعه"، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶ق). "تفصیل وسائل الشیعه تحصیل مسائل الشریعه"، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- حرعاملی، محمدبن حسن (بی‌تا). "إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات"، تصحیح علاء‌الدین اعلمی، لبنان-بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حویزی، عبدعلی‌بن جمعه (۱۴۱۵ق). "تفسیر نورالثقلین"، تصحیح هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). "لغتنامه" زیر نظر محمدمعین و سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن‌بن محمد (۱۳۷۱). "ارشادالقلوب"، قم: الشریف‌الرضی.
- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۹۰). "بازشناسی و نقد تصوف"، تهران: سخن.
- روضاتیان، سیده‌مریم؛ میرباقری‌فرد، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۹). "جایگاه شرح تعرف در میان مآخذ تذکره‌الاولیا"، فصلنامه علمی-پژوهشی متن‌پژوهی ادبی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴۴، صص ۹-۲۸.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۶). "جستجو در تصوف ایران"، تهران: امیرکبیر.
- سارویی‌نژاد، حسین (۱۳۹۱). "بررسی جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر الکشف و البیان ثعلبی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم.
- شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۰۶ق). "خصائص الأئمه علیهم السلام"، تحقیق محمدهادی امینی، مشهد: آستانه‌الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الإسلامية.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴). "تشیع و تصوف"، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۹۲۷م). "همبستگی میان تصوف و تشیع"، ترجمه و تلخیص علی اکبر شهابی، تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق) "تهذیب الاحکام"، تهران: صدوق.
- عطار، فریدالدین محمدبن ابراهیم (۱۳۸۰) "تذکره الاولیا عطار"، به تصحیح دکتر محمداستعلامی، تهران: زوار.
- علامه‌امینی، احمد (۱۴۰۳ق). "الغدير فی الكتاب و السنّة و الأدب"، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی.
- علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). "کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (ع)"، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
- قمی‌مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸). "تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب"، تحقیق حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلابادی، ابوبکر محمد (۱۹۳۳م). "التعرف لمذهب التصوف"، مصر: مطبعة السعادة.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق) "الکافی"، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴هـ.ق). "بحار الأنوار"، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مستملی، ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳). "شرح التعرف لمذهب التصوف"، با مقدمه و تصحیح محمدروشن، تهران: اساطیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). "آیات ولایت در قرآن"، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان‌نژادی، ج ۱، قم، انتشارات نسل جوان.
- مهرآوران، محمود (۱۳۸۹). "سیما و سیره علی و اهل بیت (ع) در کشف‌المحجوب هجویری"، پژوهشنامه علمی-پژوهشی علوی، سال اول پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۲.
- نوروزی، بتول (۱۳۸۳). "از ملک تا ملکوت"، تهران: سرافراز.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). "مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل"، تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، لبنان-بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.